

گپ و گفت با ۲ آزاده که در آستان قدس رضوی خدمت می کنند

از اردوگاه موصل تا صحن سقاخانه

۲

پویش «نذر آب» برای میزبانی از زائران پیاده‌روی اربعین آغاز شد

سقای اربعین

آستان قدس رضوی پویش مردمی «نذر آب» برای زائران پیاده‌روی اربعین را با نام «سقای اربعین» آغاز کرد تا با مشارکت مردم و خادمان حضرت رضا(ع) بستر لازم برای میزبانی باشکوه از شرکت‌کنندگان در حماسه اربعین فراهم شود. به گزارش آستان‌نیوز، آستان قدس رضوی که همه ساله با برپایی مواكب عزاداری در نقاط مرزی و مسیر پیاده‌روی اربعین، در میزبانی از این زائران مشارکت داشته، امسال بستری را فراهم کرده است تا عموم مردم و دلدادگان حسینی نیز بتوانند در این میزبانی سهیم باشند. این بستر با راه‌اندازی پویش نذر آب به نام «سقای اربعین» فراهم شده و همه علاقه‌مندان می‌توانند با پرداخت مبالغ دلخواه، به سهم خود بخشی از هزینه آب آشامیدنی برای زائران پیاده‌روی اربعین حسینی را تأمین کنند ...



منبر مجازی

مهارت خویشتن‌داری

حجت‌الاسلام تراش‌بیون زن و شوهر در محیط خانه به یکدیگر فرمان نمی‌دهند. آدم‌هایی که شاید یک مقدار عقده‌ای هستند و کمبودی دارند، در محیط خانه می‌خواهند جبران همه نواقص خود را بکنند... شروع می‌کنند به طرف مقابل امر و نهی کردن... آدم‌هایی که این جورِ برخورد می‌کنند، سلامتی آن‌ها باید یک بازخوانی و بازبینی بشود... بالاخره در زندگی، بیرون از محیط خانه مشکلاتی وجود دارد، با سختی‌هایی مواجه هستیم. خانم‌هایی که در خانه هستند و در محیط خانه از صبح بیدار می‌شوند یک سری مشکلات و سختی‌هایی را با آن دست و پنجه نرم می‌کنند ما می‌گوییم وقتی کنار همدیگر می‌رسند نباید مشکلات خود را روی سر همدیگر هوار کنند. این را باید مراقب باشیم. مثلاً یک موقع آقا بیرون می‌رود، محیط شغلی و کاری اوست، در ترافیک گیر می‌کند و... وارد خانه می‌شویم مراقب باشیم این سختی‌ها را به خانم خود انتقال ندهیم... ناراحتی‌ها را سر او پیاده نکنیم. خودکنترلی داشته باشیم... ما اصلاً کنار همسر خود می‌آییم که این سختی‌های بیرون را فراموش کنیم. به یک آرامشی برسیم... در ایجاد آرامش ما هم نقش داریم. یکی از نقش‌های ما هم همین است که مراقب باشیم اوقات طرف مقابل خود را تلخ نکنیم... گاهی اوقات وقتی یک مدت طولانی در طول روز کنار همدیگر نیستیم، به جای اینکه آن مدت کوتاهی را که کنار هم هستیم به خوبی مدیریت کنیم، می‌آییم این کنار هم بودن را خراب می‌کنیم... مدیریت زمان در محیط زندگی این را باید ما مورد توجه قرار دهیم... البته نمی‌گوییم زن و شوهر نباید در مورد مشکلات خود با همدیگر صحبت کنند. بله باید با هم صحبت کنند ولی اینکه چه زمانی را انتخاب کنیم این مهم است. قرار نیست تا وارد شدیم اگر اعصابمان خرد است، خود را تخلیه کنیم و سریع همه مشکلات خود را بگوییم و روح و روان همسرمان را به هم بریزیم... بعد آن خانی که قرار است برای ما یک آرامش‌دهنده باشد، بشود یک مصیبتی روی همه مصیبت‌های ما. این را باید دقت کنیم. خویشتن‌داری و خودکنترلی همین جاها معنا پیدا می‌کند. من مشکل را فعلاً نگه دارم ولو شده است به صورت تصنعی ... این بعدها تبدیل به یک مهارت می‌شود و طبیعی می‌شود. وارد خانه می‌شوم یک لبخندی بزنم و سلام عليك گرمی کنم. انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است.

گپ و گفت با ۲ آزاده که در آستان قدس رضوی خدمت می کنند



بازخوانی پیشینه یکی از محله‌های تاریخی جوار حرم مطهر رضوی در ۶۰۰ سال پیش

چهارباغ؛ عمارت افسانه‌ای و فراموش شده مشهد

این ترتیب این مکان به تفرجگاه حاکمان مشهد تبدیل شد و تا چند قرن این عنوان را حفظ کرد.

■ **مرکز امور سیاسی مشهدالرضا(ع)**

در دوره صفویه، چهارباغ مشهد محل زندگی و فعالیت‌های حاکم خراسان شد یعنی علاوه بر کاربرد تفرجگاهی، کاربرد سیاسی هم پیدا کرد؛ حتی از برخی سفیران خارجی هم در این مکان پذیرایی می‌شد. خوب است بدانید شاه‌عباس یکم در سفر معروفش به شهر مشهد که شرح آن را در حاشیه کتاب «مفاتیح‌الجنان» هم آورده‌اند، ساکن چهارباغ بود و در مجموع طی سفرهای مختلف به مشهد چند ماهی در این مکان اقامت داشت. این وضعیت در دوران جانشینان شاه‌عباس یکم هم ادامه پیدا کرد، اما ظاهراً تغییر زیادی در وضعیت معماری عمارت چهارباغ به وجود نیامد. با سقوط صفویه و تسلط ملک محمود سیستانی بر مشهد، چهارباغ



ابتدا به محل حکومت او تبدیل شد. مشهور است که ملک‌محمود تصمیم گرفت جایی دیگر را برای دارالحکومه درست کند و پایه‌های ارگ مشهد را در کنار محله سراب طی همین دوره گذاشتند.

■ **دوران شکوه و افول چهارباغ**

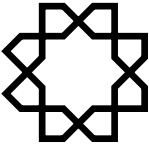
اوج شکوه چهارباغ مشهد در دوره افشاریه و عهد نادرشاه رقم خورد. آن روزها مشهد پایتخت ایران شده بود و نادرشاه هم می‌خواست چهارباغ را به مقر اصلی حکومتش تبدیل کند. احتمالاً باورناتان نشود

محمدحسین نیکبخت

اسمش برای همه مشهدی‌ها آشناست، اما احتمالاً اطلاعات زیادی درباره آن ندارند، به جز یک نام که به یادگار بر کوچه‌ای باقی مانده است و ظرف همین یکی دو سال آینده، زیر تلی از بتن و میلگرد مدفون می‌شود. درباره چهارباغ مشهد حرف می‌زنم که خیلی‌ها فکر می‌کنند فقط اسم یک محله یا گذر است و علت نام‌گذاری‌اش، باغی به نام «چهارباغ» بوده! بعضی‌ها هم باور دارند که چهارباغ مشهد تقلیدی است از چهارباغ اصفهان که در دوره شاه‌عباس یکم ساخته شد و امروزه هم شهرت فراوانی دارد؛ اما چهارباغ مشهد قدمتش خیلی بیشتر از این حرف‌هاست، خیلی بیشتر از یک اسم کوچه یا حتی نامی برای یک محله. چهارباغ مشهد، روزی روزگاری در دورانی که اصلاً اثر و نشانی از چهارباغ اصفهان وجود نداشت، نگین خوش‌رنگ باغ‌های ایرانی بود و در حافظه تاریخی‌اش می‌شد صداها یا حتی هزاران رویداد سرنوشت‌ساز را پیدا کرد.

■ **چهارباغ مشهد ۶۰۰ ساله است**

طرح چهارباغ مشهد در دوره تیموری ریخته شد؛ ظاهراً در سال ۸۲۱قمری / ۷۹۷خورشیدی یعنی چیزی حدود ۶۰۴ سال پیش. شاهرخ پسر تیمورلنگ و شوهر گوهرشاد بیگم که برای افتتاح مسجد گوهرشاد به مشهد آمده بود، دستور داد طرح یک باغ زیبا را در محدوده شرقی محله سرشور بریزند. ظاهراً کار تملک زمین و ساخت باغ مدت‌ها طول کشید چون تا سال ۸۱۷خورشیدی گزارشی از وجود آن در مشهد نیست. در همین ایام، چهارباغ‌های زیبایی در دیگر شهرهای خراسان بزرگ ساخته شد مانند چهارباغ ابراهیم سلطان میرزا و چهارباغ امیرمزید ارغون در بلخ. بنابراین می‌شود گفت اصلاً در آن دوره باغ‌سازی و ایجاد چنین فضاهای زیبایی مُد بوده است. چهارباغ همان طور که از نامش پیداست، از چهار قطعه مساوی تشکیل می‌شد که خطوط میانی آن را نهرهای پرآب تشکیل می‌داد. در محل تلاقی نهرها، عمارت یا کاخ را بنا می‌کردند. شاهرخ پس از بنای عمارت چهارباغ، هر وقت به مشهد می‌آمد در آنجا استراحت می‌کرد. به



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۲۰۹ |

موعظه / آیت الله مجتبی تهرانی

به این دو دلیل

خیال معصیت

هم نکن



۲

تکاهی به کتابخانه تخصصی «آیت الله شیخ هاشم قزوینی»

کتابخانه‌ای برای ۵۴ هزار

کتاب جیبی

۴

در بیانیه‌ای به مناسبت سالگرد از تحال نویسنده «الحیات» مطرح شد

مؤسسه الحیات؛ تنها مرجع نشر

اندیشه‌های علامه «حکیمی»

۲

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

شهیدی‌پور از پایه گذاران

سنت‌های آموزشی تبلیغی قرآن بود

۳

خبر

آغاز رویداد ملی «سفینه النجاة»



حجت‌الاسلام دشمیری در گفت‌وگو با «مهر» از آغاز برگزاری رویداد ملی سفینه‌النجاة خبر داد و گفت: این رویداد به تولید اثر حول محور سیدالشهدا(ع) و امام رضا(ع) می‌پردازد. وی با بیان اینکه حدود ۴۰۰ هنرمند و با هدایت بیش از ۳۰ استاد در این رویداد فعالیت دارند، افزود: فعالیت این هنرمندان در ۱۰ قالب هنری مجموعه عکس داستانی، مستند کوتاه، پادکست، گرافیک متحرک، نقاشی، تصویرسازی، حروف‌نگاری، طراحی نشان، پوستر و طراحی پرچم و کتیبه است. مسئول دفتر هنر هیئت جامعه ایمانی مشعر با اشاره به اینکه این هنرمندان در سه روز و تا تاریخ ۲۸ مردادماه خلق اثر می‌کنند، عنوان کرد: این رویداد در سالن نمایشگاه‌های دائمی آستان قدس رضوی برگزار می‌شود. برای شرکت در این رویداد از هنرمندان ۲۸ استان کشور دعوت به عمل آمده است که بخشی از آن‌ها را نیز بانوان تشکیل می‌دهند. دشمیری با بیان اینکه این کارگاه در راستای شبکه‌سازی هنرمندان و آشنایی بیشتر هنرمندان با یکدیگر است، خاطرنشان کرد: در این رویداد چند گام جدید را رقم زدیم. وی با اشاره به اینکه برای کمک به ارتقای خلق اثر تمام کارگاه‌ها در یک محل هستند و تمام مخاطبان با تمام هنرمندان و استادان در ارتباط هستند، تصریح کرد: هدایت به سمت کار گروهی از دیگر اهداف این رویداد بوده و بسترسازی لازم برای فعالیت به صورت تیمی انجام شده است. استادان برجسته‌ای نیز در این رویداد شرکت خواهند کرد که در حوزه‌هایی نظیر ادبیات، داستان، تولید محتوا، ایده‌پردازی و... فعالیت می‌کنند.

نیمکت زنده گی

خانه پلاک ۱۱

دور هم نشینی و احوالپرسی و قرائت قرآن. چه می‌دانستم این خانه توفیر دارد با بقیه! یک روز طبق معمول می‌پیچم توی خیابان بیست متری و می‌بینم کوچه مثل همیشه خلوت نیست. یعنی درست‌تر اینکه پر از اتومبیل و آدم و ازدحام است. طی این چند ماهه چنین حضوری ندیدم. تمرکز می‌کنم و می‌بینم جمعیت به خانه پلاک ۱۱ آمد و رفت دارند. پا تند می‌کنم تا سر دربیارم. نوشته روی بنر آویزان را هول و باعجله می‌خوانم و نگاهم می‌افتد به دیس‌های خرمایی که چند آقای مشک‌پوش می‌برند توی حیاط.

و بید و سیب و پرتقال سلام می‌کنند به آدم و باغچه و تا دلت بخواهد گلدان‌های غیرآپارتمانی. نخستین بار که چشمم افتاد به هیبت باجبروتش چه می‌دانستم فکر به این عمارت نیمه‌آجری و سیمانی دیگر از سرم نمی‌افتد و من بعد به هر بهانه‌ای راهم را می‌کشانم سمت و سراغ این کوچه که پیچک رونده سرخ ببینم و تازه شوم. چه می‌دانستم این خانه نمک‌گیر می‌کند! هوای دیدن حاج‌خانم و اهل بیتش را می‌کنم که در حیاط را باز می‌گذارند تا همسایه‌ها ببینند

رقیه توسلی | چهار پنج ماهی می‌شد رفته بودم توی نخ این خانه. پلاک ۱۱... از لحظه اول دلم را بُرد. خانه‌ای با در زردرنگ که یک کپه پیچک قرمزرنگ روی سرش داشت. توی کوچه‌ای که قدمتش بالاست و اصالت دارد. البته که کلنگ بسازیفروش‌ها به جانش خورده ولی هنوز خیلی از ریخت و قیافه نیفتاده و امروزی نشده شرخ‌دا. می‌شود یک دل سیر تک طبقه‌های نوستالژی دید اینجا. از آن‌ها که سردرشان گل دارد. از توی حیاطشان شاخ و برگ کاج